

۱. عنوان کرسی:

عنوان فارسی: چیستی کرامت ذاتی و چگونگی توازن حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی؛ مبانی، چالش‌ها و مقایسه با نظام‌های سکولار
عنوان انگلیسی: The loss of personal dignity and the balance of citizenship rights from an Islamic perspective; Objections, challenges and evaluations of school systems
عنوان عربی: فقدان الكرامة الشخصية وتوازن حقوق المواطن من منظور إسلامي؛ الاعتراضات والتحديات وتقييمات الأنظمة المدرسية

۲. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

در دهه‌های اخیر، موضوع کرامت ذاتی انسان و حقوق شهروندی به یکی از ارکان اصلی مباحث حقوقی، فلسفی و اجتماعی در سطح جهان تبدیل شده است. این بحث نه تنها از نظر نظری و فلسفی حائز اهمیت است، بلکه نقش محوری در سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم مناسبات اجتماعی و قانونی در جوامع مختلف ایفا می‌کند. کرامت ذاتی به مثابه یک اصل بنیادین، مبنای شکل‌گیری حقوق بشر و حقوق شهروندی در تمدن‌های مختلف به شمار می‌رود و به ویژه در نظام‌های حقوقی و آرمان‌های سیاسی مدرن، نقشی محوری در تبیین حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند. لیکن در فرهنگ‌ها و مکاتب فکری مختلف، تبیین و فهم کرامت ذاتی و حقوق متولد از آن، متفاوت بوده و این تفاوت به ویژه در نظام حقوقی مبتنی بر اندیشه اسلامی و نظام‌های سکولار معاصر بیشتر به چشم می‌آید.

در اندیشه اسلامی، کرامت ذاتی انسان نه تنها یک مفهوم حقوقی بلکه یک حقیقت هستی‌شناسانه، اخلاقی و توحیدی محسوب می‌شود. این کرامت برگرفته از آیات قرآن و سنت نبوی است که انسان را اشرف مخلوقات و موجودی دارای مقام رفیع و احترام ذاتی معرفی می‌کند. کرامت انسان از منظر اسلام، ترکیبی است از شأن الهی، فطرت پاک و مسئولیت اخلاقی که در نهایت بستر تحقق همه حقوق فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، مفاهیم حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی در چارچوب کرامت ذاتی تعریف شده و باید در توازن دقیق با همدیگر قرار گیرند تا نه تنها حقوق فرد رعایت شود بلکه مصالح جمعی، عدالت اجتماعی و امنیت عمومی نیز حفظ گردد.

با این حال، این مفهوم در عمل و در ساختارهای حقوقی اسلامی با چالش‌های متعددی روبروست. نخست آنکه تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از منابع دینی و مبانی فقهی گاه موجب کشمکش‌ها و عدم تحقق تعادل مطلوب میان حقوق فردی و اجتماعی می‌شود. دوم، محدودیت‌ها و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جوامع اسلامی به ویژه در عصر کنونی که با چالش‌های جهانی‌سازی و مدرنیزاسیون مواجه است، پیچیدگی‌های بیشتری را به مسئله کرامت و حقوق شهروندی افزوده است. سوم، این پرسش مطرح است که آیا و چگونه می‌توان مبانی سنتی کرامت و حقوق را با مقتضیات جدید حقوق بشر و حقوق شهروندی تطبیق داد و یا مدل‌های حقوقی جدیدی تدوین کرد که ضمن رعایت مبانی اسلامی، با الزامات جهانی نیز همخوانی داشته باشد.

از سوی دیگر، نظام‌های حقوقی سکولار مدرن، کرامت ذاتی را به عنوان مبنای عقلانی و قراردادی حقوق بشر و حقوق شهروندی طرح کرده و آن را جدا از ملاحظات دینی و وحیانی تعریف می‌کنند. این رویکرد در چارچوب عقلانیت مدرن و نظریه‌های قرارداد اجتماعی شکل گرفته و بر اصل جدایی دین و سیاست تأکید دارد. در این نظام‌ها، توازن حقوق شهروندی بر پایه توافقات اجتماعی، قانون اساسی و ضمانت‌های قانونی انجام می‌شود. اگرچه این مدل توانسته در برخی کشورها به تأمین نسبی آرامش و عدالت منجر شود، ولی در جوامع فرهنگی-دینی کشورهای مسلمان، مواجهه با آن با پرسش‌ها و نگرانی‌هایی همراه است که ریشه در تفاوت مبانی فلسفی، ارزشی و حقوقی دارد.

به عبارت دیگر، تبیین کرامت ذاتی و حقوق شهروندی در نظام سکولار با رویکردی عقلانی-حقوقی و در نظام اسلامی با نگاه توحیدی-فقهی انجام می‌گیرد. این تفاوت‌های بنیادی، باب گفتگویی جدی درباره قابلیت‌های تطبیقی، نقاط قوت و کاستی‌های هر کدام از این رویکردها را باز می‌کند. همچنین مطالعه تطبیقی این دو رویکرد به ما امکان می‌دهد که راهکارهای نوینی برای حل چالش‌های حقوقی و سیاسی در حوزه حقوق شهروندی ارائه کنیم. چرا که امروز مسائل مربوط به حقوق شهروندی و کرامت انسان نه تنها محدود به یک چارچوب فکری خاص نیست، بلکه نیازمند فهم چندبعدی و میان‌رشته‌ای است.

مسئله اصلی که این طرح دنبال می‌کند، پرداختن به چیستی کرامت ذاتی در اندیشه اسلامی و بررسی چگونگی توازن حقوق شهروندی است، به گونه‌ای که ضمن احترام به مبانی دینی، پاسخگوی شرایط و نیازهای معاصر باشد. به عبارتی، این پژوهش می‌کوشد مبانی معرفتی و فلسفی کرامت ذاتی را در چارچوب کلام، فلسفه و فقه اسلامی روشن سازد و سپس نحوه تحقق حقوق شهروندی و توازن آن را از منظر اسلامی تحلیل کند. در ادامه، چالش‌ها و مشکلاتی که فرایند حفظ و تعادل‌بخشی حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی را در نظام اسلامی محدود و پیچیده کرده است، به صورت دقیق مورد واکاوی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، جامعیت بحث با توجه به مقایسه نظام اسلامی با نظام‌های سکولار که تاکنون منبع تفکر حقوق بشر و حقوق شهروندی در سطح جهانی بوده‌اند، افزایش می‌یابد.

طرح این موضوع به دلیل وجود یک خلأ مهم در فهم حقوق شهروندی مبتنی بر کرامت در فضای اندیشه اسلامی ضروری است. بسیاری از پژوهش‌ها تنها یک وجه از این مقوله را مورد تحلیل قرار داده‌اند یا صرفاً به مباحث فلسفی یا فقهی محدود شده‌اند. برخی دیگر نیز فقط سیستم‌های سکولار غربی را بررسی کرده‌اند بدون آنکه ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نظام اسلامی به‌طور تحلیلی با آنها مقایسه شود. این طرح در تلاش است با رویکرد تطبیقی و میان‌رشته‌ای، ضمن بهره‌گیری از منابع اصلی اسلامی و متون علمی نوین، چالش‌ها را شناسایی و راهکارهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و در صورت امکان ترکیب با آموزه‌های دموکراسی مدرن را پیشنهاد دهد.

از ابعاد مهم این موضوع، فهم دقیق توازن حقوق است. حقوق شهروندی به معنای اعطای حقوق و آزادی‌های مشخص به هر فرد است که باید در نهایت منجر به تضمین کرامت او شود. اما این حقوق باید همراه با مسئولیت‌ها و محدودیت‌هایی باشد که امنیت، عدالت و مصالح عمومی را تأمین کند. یکی از مسائل مهم در نظام

اسلامی، نحوه توازن بین حقوق فردی و مصالح جمعی است که به لحاظ فقهی و اخلاقی، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و در واقع آزمایش واقعی تحقق کرامت ذاتی انسان در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. این توازن به عنوان یکی از موضوعات حقوقی-سیاسی چالشی، نیازمند بررسی از منظر نظری و تجربی است.

در پایان، ضرورت انجام این پژوهش در عصر کنونی که همگرایی جهانی، تحولات اجتماعی-سیاسی و فرهنگی، و رویارویی نظام‌های فکری و حقوقی مختلف سرعت گرفته، آشکارتر می‌شود. پرسش پیرامون چگونگی حفاظت و تعادل‌بخشی به حقوق شهروندی در بستر تئوری‌های اسلامی و سکولار، به ویژه در جوامعی که با فشار همزمان از داخل (بازنگری‌های دینی، مدرن‌سازی) و خارج (مقررات بین‌المللی، حقوق بشر) مواجه‌اند، اهمیت فراوان دارد. این کرسی علمی می‌تواند سکویی برای تبادل نظرهای عمیق، استخراج آموزه‌های کلیدی و ارایه راهکارهای علمی-ترویجی فراهم آورد تا دانش‌پژوهان، حقوق‌دانان، فیلسوفان و صاحبان اندیشه بتوانند به فهم دقیق‌تری از کرامت ذاتی و حقوق شهروندی در فضای معاصر دست یابند.

ب. **سوابق دانشی:** تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

تاریخچه و سوابق دانشی در اندیشه اسلامی

مطالعه کرامت ذاتی انسان در اندیشه اسلامی قدمتی طولانی دارد که از آیات قرآن و روایات نبوی سرچشمه گرفته است. با این حال، پرداختن صریح به موضوع کرامت ذاتی و حقوق ناشی از آن به شکل تخصصی‌تر در فقه شیعی و معاصر، در آثار برخی فقیهان معاصر از جمله آیت‌الله العظمی منتظری برجسته شده است. منتظری به عنوان نخستین فقیهی که کرامت انسان را فارغ از تعلق دینی به همه انسان‌ها اعتراف کرده و مبنای حقوق ذاتی را الهی می‌داند، نقش مهمی در تبیین حقوق بشر در چارچوب اسلامی دارد. ایشان با استناد به کتاب، سنت و عقل، کرامت ذاتی را ارزش و احترامی جهانی می‌داند که همه انسان‌ها در آن شریک‌اند، صرف‌نظر از عقیده و مذهبشان. این نگاه از حیث نوع مبنا تفاوت مهمی با رویکردهای سکولاریستی دارد که کرامت را بر اساس قراردادی و عقلانیت صرف می‌شناسند.

همچنین، سوابق نظری در فقه و کلام اسلامی، به ویژه در مباحث اصول فقه، فلسفه اخلاق و حقوق عمومی، نشان می‌دهد که کرامت و حقوق فردی در اسلام نه فقط حق فرد بلکه وظیفه اجتماعی و مسئولیت حاکمیت است. مهم‌ترین دستاوردهای این سوابق، تبیین گونه‌ای توازن حقوق است که همزمان کرامت فرد را پاس می‌دارد و مصالح جمعی را نیز در نظر می‌گیرد. در این خط فکری، حقوق شهروندی در اسلام از عدالت، مساوات، آزادی مشروع و مسئولیت دوسویه بین حاکمیت و مردم نشأت می‌گیرد که در منابع فقهی و قرآن کریم به آن تصریح شده است.

سوابق نظری در نظام‌های سکولار

در نظام‌های سکولار و غربی، تاریخچه موضوع کرامت ذاتی و حقوق شهروندی عمدتاً از دوره روشنگری اروپایی شروع شد و تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی هابز، لاک، روسو و بعدها کانت شکل گرفت. در این دیدگاه، کرامت انسان بر اساس عقلانیت و قرارداد اجتماعی تعریف می‌شود و حقوق شهروندی حقوقی قراردادی و قانونی است که دولت یا نظام حقوقی برای تضمین آزادی‌ها، برابری و عدالت برای همه اعضای جامعه مقرر می‌کند. این حقوق به شدت بر جدایی دین و دولت تأکید دارد و بر اصل حقوق برابر و قانون محوری استوار است.

در این چارچوب، حقوق شهروندی توازن خود را از طریق قوانین، نهادهای مدنی، و کنوانسیون‌های بین‌المللی حفظ می‌کند و به عنوان ابزاری برای محدود کردن قدرت دولت و ایجاد فضای مدنی برابر به کار می‌رود. این رویکرد در عین حال متأثر از فرهنگ سکولار است و در برخی موارد محدودیت‌هایی برای تطبیق آن در جوامع دینی و فرهنگی با مبانی متفاوت ایجاد کرده است.

پیشینه تطبیقی و پژوهشی

مطالعات تطبیقی که به بررسی توازن حقوق شهروندی در دو نظام اسلامی و سکولار پرداخته‌اند، اغلب از دیدگاه فلسفی، حقوقی و اجتماعی زمینه‌های مشترک و متفاوت را برجسته کرده‌اند. بخشی از این تحقیقات نشان می‌دهد که اندیشه اسلامی بر مبنای کرامت ذاتی که الهی و غیر قراردادی است، حقوق را تعبیه می‌کند، در حالی که نظام‌های سکولار بیشتر به مبانی عقلانی و قراردادی توجه دارند. همچنین بررسی تطبیقی چالش‌های حقوقی، فقهی، سیاسی و فرهنگی در تحقق این توازن در جوامع مسلمان از یک سو و نظام‌های سکولار از سوی دیگر، بخش دیگری از پیشینه گسترده پژوهشی است که خلأهای نظری و عملی را برجسته ساخته‌اند.

جایگاه موضوع در مطالعات معاصر

کرامت ذاتی به عنوان پایه و اساس حقوق بشر پذیرفته شده است؛ اما در مطالعات معاصر بر تقسیم‌بندی کرامت به ذاتی و اکتسابی تأکید شده که در بستر حقوق شهروندی می‌تواند به درک بهتر حقوق فردی و اجتماعی کمک کند. در نظام اسلامی، مانند قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز کرامت انسانی به عنوان مبنای حقوق شهروندی ذکر شده و تبیینی کاربردی از آن در حوزه حقوق سیاسی و اجتماعی انجام گرفته است. در حوزه

نظری نیز موضوع کرامت انسانی و حقوق شهروندی محور پژوهش‌های دانشگاهی، مراکز تحقیقات اسلامی و علمی بیشمار است که آن را به یک مسئله مهم علمی تبدیل کرده است .

این سوابق و پیشینه نشان می‌دهد که موضوع کرامت ذاتی و توازن حقوق شهروندی نه تنها حجمی عظیم در ادبیات فقهی، فلسفی و حقوقی اسلامی دارد، بلکه از نظر تطبیقی و مقایسه‌ای در مقابل نظام‌های سکولار نیز عرصه‌ای فعال برای بحث و نقدهای نظری است. این موضوع در ارتباط با چالش‌های جهانی شدن، تحولات اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی مدرن، جایگاهی کلیدی برای تحقیقات میان‌رشته‌ای و راهکارهای عملی پژوهشی یافته است.

ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود.

نوآوری‌های موضوعی و مبنایی

- پرداخت جامع به مفهوم کرامت ذاتی در اندیشه اسلامی که ادبیات آن بیشتر پراکنده و تک‌وجهی است؛ این بحث کرامت را از سه بعد فلسفی، کلامی و فقهی به صورت یکپارچه و جامع تحلیل می‌کند .
- بازشناسی و تبیین دقیق توازن حقوق شهروندی در چارچوب کرامت ذاتی؛ بررسی تعادل میان حقوق فردی، اجتماعی و مسئولیت‌های سیاسی که در منابع اسلامی کمتر به صورت سیستماتیک به آن پرداخته شده است .
- مقایسه علمی و تطبیقی نظام اسلامی و سکولار در زمینه کرامت و حقوق شهروندی در ابعاد نظری و عملی، ایجاد چارچوب مفهومی روشن برای تفاهم و تفاوت‌ها؛ رویکرد تطبیقی مطابق با مقتضیات بومی و جهانی .

نوآوری‌های روش‌شناسی و تحلیلی

- استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای شامل پژوهش‌های فلسفه اخلاق، فقه، حقوق عمومی، جامعه‌شناسی حقوق و مطالعات تطبیقی که معمولاً تفکیک شده بررسی شده‌اند، در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم .
- ارائه تحلیل مبانی نظری و چالش‌های عملی به صورت همزمان، به‌ویژه تلفیق منابع کلاسیک دینی با متون و نظریه‌های حقوق بشر و دموکراسی مدرن .
- گشودن فضای نقد و درس‌آموزی متقابل بین دو نظام اسلامی و سکولار به منظور ارائه مدل‌های جدید توازن حقوقی متناسب با شرایط عصر نوین .

نوآوری‌های کاربردی و راهبردی

- پیشنهاد راهکارهای کاربردی بر پایه آموزه‌های دینی و اصول حقوقی مدرن برای تقویت حقوق شهروندی و حفظ کرامت ذاتی در بستر جامعه اسلامی .
- ارائه الگویی برای سیاست‌گذاران، حقوق‌دانان و نهادهای مدنی جهت ایجاد نهادهای سازای حقوق شهروندی با تأکید بر توازن میان آزادی‌ها و مسئولیت‌ها .

-بسط دامنه گفتگوی علمی، فلسفی و حقوقی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های دو نظام در جهت ارتقای فهم حقوق بشر جهانی از منظر اسلامی .

نوآوری اصلی این بحث در تلفیق نگاه فلسفی-فقهی-حقوقی به کرامت و حقوق شهروندی، و نیز کاربردی کردن آن در قالب بررسی تطبیقی با نظام سکولار و ارائه راهکارهای میان‌برد و بومی‌سازی شده قرار دارد که می‌تواند شکاف‌های نظری و عملی موجود را به شکلی نوآورانه و علمی پر کند.

د. فرایند: فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود.

ایده اصلی این طرحنامه (تبیین چیستی کرامت ذاتی و توازن حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی با رویکرد تطبیقی به نظام‌های سکولار) حاصل فرایندی چهار مرحله‌ای بوده است که به صورت نظام‌مند و گام‌به‌گام طی شده است:

مرحله اول: شناسایی مسئله و شکاف نظری (پرسش از وضع موجود)

فرایند با مطالعات اکتشافی در سه حوزه مجزا آغاز شد:

ادبیات فقهی و اصولی مرتبط با کرامت انسانی در منابع کهن و معاصر (با تمرکز بر آثار آیت‌الله منتظری، امام خمینی، شهید صدر و علامه طباطبایی).

متون فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق در سنت غربی (از کانت تا هابرماس) برای فهم مبانی سکولار کرامت.

گزارش‌های تجربی و اسناد بالادستی در جوامع اسلامی معاصر (قانون اساسی ایران، اعلامیه قاهره حقوق بشر اسلامی، تجربه اصلاحات در تونس و مراکش).

در این مرحله، شکاف اصلی آشکار شد: آثار موجود یا صرفاً به کرامت از منظر فلسفه اسلامی پرداخته‌اند (بدون پیوند به حقوق شهروندی) یا صرفاً به تطبیق سطحی حقوق بشر غربی با فقه اکتفا کرده‌اند. هیچ اثری سه مؤلفه «کرامت ذاتی - توازن حقوق شهروندی - مقایسه با سکولاریسم» را به صورت یکپارچه و میان‌رشته‌ای بررسی نکرده بود.

مرحله دوم: ساختاردهی مفهومی و طراحی چارچوب اولیه

پس از شناسایی شکاف، فرایند تحلیل مفهومی آغاز شد. در این گام:

مفهوم «کرامت ذاتی» در قرآن (آیه ۷۰ سوره اسراء: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ») و در سنت فلسفی اسلامی (مطهرت نفس در حکمت متعالیه) بازتعریف شد.

مفهوم «حقوق شهروندی» از بسته اداری صرف به یک سیستم توازنی تبدیل شد که شامل سه محور است: حقپ فردی (آزادی، مالکیت، حیثیت)، حقوق اجتماعی (عدالت توزیعی، رفاه)، حقوق سیاسی (مشارکت، نظارت بر قدرت).

مفهوم «توازن» به جای «اولویت‌دهی مطلق» تعریف شد؛ به این معنا که هیچ حقی مطلق نیست، بلکه حدود آن توسط کرامت ذاتی و مصلحت عمومی تعیین می‌شود.

در همین مرحله، مدل اولیه به صورت نموداری طراحی شد: دایره‌ای با مرکزیت «کرامت ذاتی» و سه شعاع حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی که توسط «عدالت» و «مسئولیت» مهار می‌شوند.

مرحله سوم: آزمون فکری (تست فرضیه در برابر موارد نقض)

برای اعتبارسنجی این مدل، چهار مورد چالش‌برانگیز به صورت فرضی بررسی شد:

آزادی بیان در برابر امنیت ملی (آیا انتقاد از حاکمیت شرعی نقض کرامت است؟)

حقوق اقلیت‌های دینی (آیا کرامت ذاتی به معنای برابری کامل در مناصب حکومتی است؟)
 حقوق زنان در ازدواج و طلاق (آیا تفاوت‌های فقهی با کرامت ذاتی جمع‌پذیر است؟)
 اختیارات حاکمیت در شرایط بحران (مثلاً محدودیت رفت‌وآمد در همه‌گیری)
 در هر مورد، مدل اولیه تعدیل شد. برای مثال، مشخص شد که «توازن» نمی‌تواند صرفاً فقهی یا صرفاً حقوقی باشد؛ بلکه نیاز به سه لایه دارد: لایه اخلاقی (مبنای کرامت)، لایه فقهی (احکام اولیه و ثانویه)، لایه حقوقی (ضمانت اجرا و نهادهای مدنی). این کشف، نقطه عطف فرایند بود.

مرحله چهارم: مقایسه تطبیقی با نظام سکولار و نهایی‌سازی مدل
 در این مرحله، مدل اسلامی تکوین‌یافته در برابر سه پارادایم سکولار قرار داده شد:
 مدل لیبرال (اولویت مطلق آزادی فردی)
 مدل اجتماع‌گرا (اولویت مصالح جمعی)
 مدل رویه‌ای هابرماسی (کرامت به مثابه نتیجه گفت‌وگوی عقلانی)
 مقایسه نشان داد:

نظام اسلامی با مدل اجتماع‌گرا در تأکید بر مسئولیت شباهت دارد، اما مبنای آن را از دین می‌گیرد نه از سنت عرفی.

نظام اسلامی با مدل لیبرال در دفاع از کرامت فردی همسو است، اما آزادی را مقید به احکام شرعی می‌کند.

نظام اسلامی می‌تواند از مدل رویه‌ای هابرماسی ابزارهایی مانند گفت‌وگوی عمومی و نظارت همگانی اقتباس کند بدون آنکه مبانی توحیدی خود را رها کند.

نتیجه نهایی فرایند، شکل‌گیری یک مدل سه‌سطحی از توازن حقوق شهروندی اسلامی است:

سطح اول: مبانی (کرامت ذاتی الهی، فطرت، مسئولیت اخلاقی)
 سطح دوم: اصول (عدالت، عدم ضرر، مصلحت، مشورت)
 سطح سوم: نهادهای و رویه‌ها (حقوق اساسی، نهادهای نظارتی، سازوکارهای مشارکت مردمی)

این مدل نه صرفاً از دل متون فقهی بیرون آمده و نه صرفاً از مقایسه با غرب؛ بلکه حاصل بازگشت مکرر میان متن، عقل، تجربه زیسته جوامع اسلامی و نقد کارآمدی نظام‌های سکولار است. فرایند کاملاً تبادلی و تکرارشونده بوده و در هر گام، فرضیه‌های قبلی اصلاح شده‌اند.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

قرآن کریم.

نهج البلاغه

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، جلد ۱۳ (ذیل آیه کرامت)، جلد ۱۸ (حقوق اجتماعی از منظر قرآن). ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). عدل الهی. تهران: صدرا. (بحث کرامت ذاتی و نسبت آن با عدل الهی)

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا. (فصل حقوق بشر در اسلام)

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۸). مبانی فقهی حکومت اسلامی (جلد ۱: کرامت انسان و حقوق ذاتی). قم: نشر تفکر.

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية (ج ۲، بخش حقوق شهروندی). قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور (ج ۲۱، بحث کرامت انسانی و آزادی مشروع). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

صدر، محمدباقر (۱۳۸۲). اقتصادنا (بحث عدالت توزیعی و کرامت اقتصادی). بیروت: دارالتعارف.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). کرامت در قرآن. قم: اسراء.

سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). الالهیات علی هدی الکتاب و السنة (ج ۳، فصل خلق الانسان و کرامته). قم: مؤسسه امام صادق(ع).

